

نشست علمی - تخصصی توسعه و آموزش و پرورش

(آموزش و پرورش و سرمایه انسانی)

سخنران: دکتر سید ضیاء هاشمی

(عضو موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران)

این نشست به همت انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش در تاریخ چهارشنبه ۹۰/۸/۱۱ ساعت ۱۵ الی ۱۷ در ساختمان مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی با سخن رانی آقای دکتر ضیا هاشمی برگزار شد .

شرحی مختصر بر آن

رویکرد مثبت گرا: در این رویکرد آموزش و پرورش اهرم کنترل جامعه بشری است . انسان ها را آماده می کند . تعاملات میان افراد را به سمت انسجام می کشاند . ابزاری است برای پرورش یک بزرگ سال آرمانی *Ideal Adalt* . انسان هایی که خلاقیت بیشتری دارند و با عقلانیت بیشتری تلاش می کنند و مسئولیت پذیرتر و تحمل پذیرترند همه محصول آموزش و پرورش موفق می باشند . آموزش و پرورش موفق نیروی انسانی توانا و متخصص تربیت می کند . او می تواند ارتشی تولید کند که در مسیر تغییرات سازنده حرکت کند و جلوی هزینه های پیش بینی شده و نشده ی جامعه را بگیرد . چنین آموزش و پرورشی کار بقیه سازمان ها و نهادها را کم می کند در نتیجه هزینه های بهداشتی کم تری بر جامعه تحمیل می شود . نقش نهادهای نظارتی کم تر می شود . مولد سرمایه ی اقتصادی خواهد بود ! افراد یک جامعه را زمانی می توان سرمایه دار تر تلقی کرد که سرمایه اجتماعی و آموزش و پرورش موفق تری

داشته باشند . و بالعکس جامعه ای که آموزش و پرورش توانمند ندارد نتیجه و بازده را کاهش خواهد داد !

در پیش فرض تحرک رقابتی ، چون منابع مطلوب محدود است در نتیجه افراد با یکدیگر رقابت می کنند تا سهم خود را از مزایا افزایش دهند . انسان ها در مقام رقابت برای چیزی تلاش می کنند که پاداش بیشتر داشته باشد پس اگر جامعه را هدایت کنیم به سمت افزایش سرمایه انسانی باید امکان رقابت را فراهم کنیم . و برای این رقابت باید آموزش بهتری داد تا نتایج بهتری گرفته شود و آموزش و پرورش ، محرک و بستر حرکت و عامل این جریان است .

جوامعی سرفرازترند که آموزش و پرورش موفق تری دارند . به میزانی که آموزش و پرورش رشد یافته تر باشد ، اعضا از توانایی بالاتری برخوردارند و در نتیجه گردان و لشکر سرفرازتری خواهند بود . تکاوران موفق تری خواهند بود ، و پزشکان متبحرتری خواهند شد . این افراد اگر پرورش هم ببینند جامعه در سطح کلان رشد خواهد یافت . آموزش و پرورش موفق تعارضات را از بین می برد و مانع از تحلیل نیرو می شود . جامعه را به سوی افق های بهتر حرکت می دهد . انتظام ایجاد می کند . تخریبی کار نمی کند . هم سویی ایجاد می کند . فرصت های جدید بوجود می آورد و افراد را از این فرصت ها بهره مند می سازد . سرمایه و آگاهی را به نسل جدید و سپس تمام جامعه انتقال می دهد یعنی ارزش های جامعه را القا و نهادینه می کند و ...

رویکرد انتقادی : این نگاه معتقد است آموزش و پرورش ابزاری است برای تحمیل ایدئولوژی مسلط بر نسل جدید و بازتولید وضع موجود . یعنی طبقه ی حاکم ارزش های خود را از طریق آموزش و پرورش به جامعه انتقال می دهد . در این جا آموزش و پرورش در خدمت قدرت قرار می گیرد و ابزار سرکوب است ولی نه به صورت آشکار بلکه در شکلی پنهان ، برای استمرار ارزش های طبقه ی حاکم تلاش می کند .

تعریف سرمایه اجتماعی : مجموعه توانمندی ها و قابلیت هایی است که در اعضای یک جامعه شکل می گیرد .

وجود یک پزشک خوب ، معلم موفق ، پلیس مسئول ، شهروند آگاه و ... همگی سرمایه هایی هستند که یک آموزش و پرورش خوب آن را عرضه می کند . و بالعکس جامعه ی فقیر و کم سرمایه جامعه ای است که آموزش و پرورش ضعیفی دارد و برای اصلاح آن باید یک سرمایه گزاری بلند مدت کرد .

برخلاف حوزه های اقتصادی و مالیاتی که خیلی زود بازده خود را نشان می دهند ، آموزش و پرورش دیربازده است پس سرمایه ای را که صرف آموزش و پرورش می شود نباید مصرفی تلقی کرد گرچه دیر بازده است اما بازده بیشتر و ماندگارتری خواهد داشت و در محاسبه ی عقلانی هزینه- فایده باید به دنبال افق های بالا تر بود . پس توسعه اقتصادی و افزایش سرانه ی ملی ریشه در آموزش و پرورش دارد . حتی ایجاد عدالت و برابری راهش را از طریق آموزش و پرورش پیدا خواهد کرد .

نتیجه آن که برای ایجاد خودباوری و کارآفرینی و تولید بهترین سرمایه های انسانی باید سیاست گزاران باور به تقویت سرمایه های آموزشی پیدا کنند . در برنامه های درسی باید بازنگری صورت گیرد و باور به سمت تقویت هویت ملی افزایش یابد و بالاخره از این طریق اجتماع ملی ایجاد خواهد شد و همدلی روح برتر جامعه خواهد گشت !

تهیه و تنظیم : فرشته انصاری